

جووانان حکمتیست ۱۲۲



ارزیابی از خطر حمله نظامی امریکا به ایران و مقابله با آن گفتگو با کورش مدرسی



سوال: با توجه به شرایط و قرآن موجود در منطقه و با توجه به اینکه همزمان بطور مخفیانه یک سیاست مذاکره و رد و بدل کردن امتیاز هم در جریان است، شما بروز جنگ را تا چه حد محتمل میدانید؟

کورش مدرسی: ببینید، دار و دسته های آدم کش در منطقه راه افتاده اند که یکی جرج بوش را نمایندگی میکند و دیگری نماینده خامنه ای است. این دسته های اوباش هر کدام کبریت در دست گرفته اند و تهدید میکنند که خانه و زندگی مردم آتش خواهند زد. صرف نظر از تحلیل ما از قابلیتها و عدم قابلیتها، هر دو طرف این ماجرا بحدی ماجراجو هستند که میتوانند این تهدید را تبدیل به واقعیت کنند و کل منطقه را به اضمحلال کامل بکشانند. من فکر میکنم از لحاظ فاکتی موقعیت جرج بوش ضعیفتر شده است ولی همین ضعف موقعیت بر متن ماجراجویی کنسرواتیسم امریکا که در عراق گیر کرده است و بر متن دست بالا پیدا کردن جمهوری اسلامی، میتواند تبدیل به عملیات نظامی از طرف اسرائیل و امریکا گردد و کل منطقه را به عمق سپاه چای بمراتب عمیقتر و فاجعه بارتر از عراق بفرستد. پس باید فکری کرد و دست کل بازیگران این صحنه فاجعه آمیز را از

زندگی مردم ایران و منطقه کوتاه نمود.

سوال: آیا شما فکر میکنید در صورتیکه امریکا و اسرائیل و کشورهای متحد تصمیم به تهاجم نظامی محدود و یا غیر محدود علیه جمهوری اسلامی بگیرند، جنبش ضد جنگ اساسا میتواند تاثیری در جلوگیری این جنگ داشته باشد؟

کورش مدرسی: بعید میدانم چرا که جنبش ضد جنگ پراکنده است، بیخط است. این جنبش قر و قاطی است و با اسلامی ها خط خود را جدا نکرده است. امروز اگر بخواهیم انسانیت را بمیدان بکشیم باید صف خود را از صف اسلامی ها جدا کنیم این پدیده را در نور قبل جنبش ضد جنگ تجربه کردیم و من فکر میکنم که جنبش ضد جنگ قادر به جلوگیری از تکرار همان تجربه نیست. اضافه کنم که من بعید میدانم "ضربه محدود" در کار باشد. هر نوع حمله گرداب و طوفانی را برپا خواهد داشت که کل منطقه را در خود میلعد. جنبش ضد جنگ قادر نیست جلودار این پدیده باشد. اعتراض میکند اما همانطور که گفتم صفش نامتحد است، بیخط است. در مورد قاطی بودن با اسلامیا میخوام اضافه کنم که جریان چپ که در این جنبش فعال میباشد یک چپ بشدت لوده به راسیسم معکوس است. این چپ فکر میکند اسلامیا نماینده مردم آن منطقه هستند و در دفاع از اسلامیا بمیدان آمده است.

سوال: راه کار ما چیست؟ چگونه میتوانیم که به جنبش ضد جنگ پای بگذاریم عکس جورج بوش را آتش بزنییم و در عین حال کاری کنیم که بغل دست ما چپ سوندی عکس خامنه ای را روی سینه اش نداشته باشد.

کورش مدرسی: راه حل آنچه شما میگویید

چند میلیون کمونیست تنها!



عباس رضایی

در بحث هفته قبل نشریه طبق معمول به گره کور تا کنونی اپوزسیون یعنی چه باید کرد؟ رسیدیم بهتر است برای جواب دادن به این سوال اول سراغ چه می تواند کرد؟ برویم و با توضیح اینکه چگونه می توان پیش رفت به جواب سوال چه باید کرد برسیم. کمونیستها به دلایلی زیاد قدرت تبلیغ وسیع را ندارند و همیشه افکار عمومی تحت تاثیر

سوالات شما از رهبری حزب

طبق قولی که به شما خوانندگان نشریه داده بودم سوالات نسرين، نیما و مهدی را با سلام زیجی یکی از فرماندهان گارد آزادی و عضو مرکزیت رهبری این نیروی مسلح مطرح کردیم البته سوالات کمی تغییر کرده که به هم ربط داشته باشند. سوالات شما را سلام زیجی پاسخ داده و در زیر می بینید.

۱: شما اعلام کرده اید که گارد آزادی یک نیروی سراسری است؟ چرا فعلا فقط در کردستان وجود دارد؟ کی قرار است در بقیه شهر های ایران تاسیس شود؟ آیا شما قدرت تاسیس این نیرو را در شهر های دیگر ایران دارید؟



سلام زیجی

ابتدا این را بگویم که به اعتقاد من هنوز در مواردی تصویر نارس است از جایگاه و اهداف گارد آزادی وجود دارد. خود طرح

جناح راست جامعه که فعلا صاحب کل امکانات تبلیغی هست قرار دارد. اگر این دلیل را در کنار قدرت نظامی غالب، راست ها در جامعه قرار دهیم خواهیم فهمید کمونیستها هیچ شانسی برای اکثریت شدن در جامعه و گرفتن قدرت توسط این اکثریت ندارند. پس باید راهی یافت که با اقلیت بشود قدرت را گرفت و در نتیجه گرفتن قدرت و برابر شدن امکانات تبلیغی با جناح رقیب به اکثریت رسید.

کمونیست انقلابی تنها وجود ندارد. یک فرد تنها می تواند تئورسین خوبی باشد. طرفدار لغو کار مزدی باشد، شاعر باشد، نانوا، نقاش اما یک کمونیست انقلابی نیست چرا که فلسفه رفتن بسوی انقلاب کارگری حزب و تشکل است که یک کمونیست را خواسته یا ناخواسته وادار می کند که متحزب شود. در غیر این صورت آدم خوبی است اما منبع اثر نیست، نمی خواهد و نمی تواند تغییری بوجود آورد. ادامه در ص ۳

این سوال شما بخشا انعکاسی از همین تصویر است. گویا گارد آزادی فقط در حضور علنی و مسلحانه در این و آن محله و شهر که عملیات سیاسی-تبلیغی و میلپتانف انجام میدهد قابل تعریف و ارزیابی است. این یک وجهه از نقش گارد آزادی است نه کل تصویر. گویا عملکرد جنبه نظامی-تبلیغی علنی آن برجسته تر از وجهه مهم دیگر آن که یک نیروی سیاسی است و ابزار مهمی برای یک جدل سیاسی و اجتماعی و تغییر تناسب قوا به نفع جنبش اجتماعی چپ و آزادیخواهانه است، میباشد. به نظر من چنین نیست. این دو تصویر را باید همزمان و با هم دید تا به واقعیت مبتنی، ضرورت و جایگاه گارد آزادی رسید. کل این تصویر که گارد آزادی یک نیرو

سیاسی-نظامی واجتماعی-توده ای است به عنوان ظرف اتحاد و تشکل قدرتمند مردم به ویژه کارگران و زنان و جوانان در مقابل ارتجاع ملی-اسلامی و جمهوری اسلامی و برای مقابله با وقوع و تحمیل خطر سناریو سپاه شکل میگیرد و نیروی است که حافظ منافع و امنیت جامعه است هنوز جانیافتاده است. در نتیجه اگر گارد آزادی در تهران، تبریز و اصفهان هم وجود داشته باشند چون هنوز اظهور کرده در شکل مسلحانه و علنی از نوع حضور در شهرهای در کردستان اظهار وجود نشده و انعکاس نیافته است پس ما فاقد واحدهای گارد آزادی در خارج

در صفحات دیگر

قرانت لیبرالهای شرمسار از کمونیسم: رعا کریم زاده ص ۳
نگاهی به روز والتائین : وریا صدر پور ص ۵
حضور گارد آزادی در سردشت: ص ۵
سوال هفته: ص ۵
زنان و روز زن : نوش آفرین مرادی. ص ۶
تاریخچه هست مارس: امرالله کریمی ایوبلو ص ۶



کردستان هستیم و باید توضیح دهیم که "کی قرار است در بقیه شهرهای ایران تاسیس شود".

میشود این تصویر را به سرعت عوض کرد اگر درست عمل کنیم و آن استقبالی که از گارد آزادی در تهران، اصفهان، تبریز و... شده است در مسیر درست خود سازمان یابد و فعالیت خود را گسترش و به طریق اولی این فعالیتها و کمپینهای سیاسی خود را انعکاس دهد. میتوان برای مثال در دانشگاه تهران و یا در اعتراضهای مداوم کارگری و در تلاش برای خنثی کردن تحولات نژادپرستانه و فرهنگ اسلامی در شهرها، در مدارس و مراکز مختلف نقش ایفا کنیم. ممکن و عملی است در محلات شهر و در مناسبتهای مانند شازده آذر محدودیت و در سر برای نیروهای دولتی فراهم کرد. بسیار ساده و عملی است محلات و مراکز را در اشکال مختلف تحت پوشش تبلیغی قرار داد...

اما به چند فاکتور در کردستان باید توجه کرد که در این مقطع الزاما با بقیه ایران یکی نیست از جمله اینکه سابقه طلوعی کثمتکش مسلحانه با جمهوری اسلامی، نوع رابطه احزاب با مردم و مسلح شدن آنها که تاثیر گذاشته و دارد بر فعالیت شدن گارد آزادی و بر برجسته بودن خصلت مسلحانه و شکل علی فعالیت واحدهای گارد آزادی. اما با وجود این ویژگی و ضرورت چهره مسلح گارد آزادی در این منطقه بسیار مهم است همان نقش سیاسی و وظیف و خصلت تعریف شده و عمومی گارد آزادی در فعالیت مادر در کردستان نیز برجسته تر از موقعیت کنونی باشد. ویژگی دیگر و مثبت مادر کردستان نفوذ اجتماعی و قدرتمند کمونیزم و کادر و شخصیتهای با نفوذ حکمتیستهاست که در شکل گیری گسترده تر این واحدها در کردستان مؤثر بوده است. یک راه بر طرف کردن تفاوت موقعیت کنونی گارد آزادی در بقیه شهرهای ایران با موقعیت امروز در کردستان این است که حکمتیستها و ادیخوان بقیه شهرهای ایران نیز، برای گسترش و سازماندهی گارد آزادی تلاش هر چه بیشتری در دستو کار خو بگذارند.

ما تلاش میکنیم این امکان و قدرت را فراهم کنیم هر کس به حال و آینده یک جامعه انسانی و مدنیت و امنیت مردم ایران می اندیشد در این امر مهم با ما همراه خواهد بود. یکی از ابزار مهم مردم و جوانان برای مقابله با سناریوسویه جمهوری اسلامی، قومپرستی، فرهنگ و قوانین اسلامی، متشکل شدن در گارد آزادی است. با اتکاب به این تلاش اجتماعی و احساس مسئولیت انسانیهای پیشماری امپور و مصمم هستیم چنین نیروی را سازمان دهیم باید چنین توان و قدرتی را از خود نشان دهیم به هر اندازه گارد آزادی گسترش یابد به همان میزان طبقه کارگر، زنان و جوانان آن جامعه به امنیت و قدرت خود در مقابل

ارتجاع قومی و مذهبی و در مقابل با جمهوری اسلامی و ممانعت از خطر جنگ و تحمیل سناریو سیاه بر جامعه افزوده اند. اوضاع ایران امروز به شبکه های وسیع و یک سازمان و تشکل چندین میلیونی گارد آزادی نیاز مبرم دارد!

۲: آیا گارد آزادی برای پروسه بعد از فروپاشی رژیم و جلوگیری از سناریو سیاه درست شده است؟ یا این نیرو قرار است در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی نقشی بازی کند؟ چگونه؟

همانطور که گفتیم از نظر من گارد آزادی ابزار و سازمانی است برای پاسخ دادن به چند ضرورت سیاسی و مهم که اکنون بر فراز زندگی مردم ایران جاری است. ظرف اتحاد و تشکل مبارزاتی و همچنین در برخی مناطق، در شکل میلیتانت و نظامی برای مقابله با آن رویدادها است. امر اساسی آن مبارزه جدی بر علیه هر رویداد و اتفاقی است که بر علیه امنیت مردم، آزادیهای سیاسی، اتحاد و حقوق و مبارزه کارگران و بر علیه ستم بر زن و هر نوع فرهنگ و قوانین و سنن رسمی و غیر رسمی مذهبی و قومی است. اگر چنین تصور و انتظاری از گارد آزادی داشته باشیم نگاه فراموشی که گارد آزادی هم در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و هم بعد از سرنگونی و همینطور برای ممانعت از وقوع سناریو سیاه که ممکن است هم قبل از سرنگونی و هم بعد از سرنگونی حکومت اسلامی اتفاق بیفتد قابل تعریف است و وظیفه سنگینی در هر دو موقعیت بر دوش دارد. مقابله سیاسی و عملی با نیروهای سناریو سیاه، یعنی جمهوری اسلامی، نیروهای قومی فدرالیست چپ و تلاش امریکاه و غرب که با کمک همین نیروها در صدد عراقیزه کردن جامعه ایرانند امر فوری گارد آزادی است که ممکن و ضروری است بدون درنگ با قدرت بیشتر گسترش یابد.

اولین گام برای ایفا این نقش منوجه شدن هر چه بیشتر مردم به ویژه طبقه کارگر و نسل جوان و ادیخوانان ایران به خطر واقعی کنونی است که امنیت و هستی آنان را تهدید میکند. توجه به خطر گسترش ویروس قومی، به سیاستهای مخرب و ضد انسانی امریکا در ایران و منطقه، توجه به سیاستها و بازیهای عوامفریبانه جمهوری اسلامی و بهره برداری که دارد از داستان هسته ای و تهدید امریکا میکند. و همزمان تقویت این تصمیم و باور که سرنگونی فوری این حکومت سراپا وحشی و جنایتکار کار طبقه کارگر و زنان و جوانان و ادیخوانان است. مردم با ایجاد واحدهای گارد آزادی در گام نخست برای ایجاد این حساسیت و آمادگی در جامعه باید تلاش کنند و حول این هدف هزاران واحد در هر شهری شکل بگیرد.

مسئله کنترل محلات در اینجا است که معنی و اهمیت پیدا می کند. با کنترل محلات شهر که در آن فضا بر علیه قوم پرستی تنگ کرده ایم، فرهنگ اسلامی را پس زده ایم و کاری کرده باشیم که جمهوری اسلامی و ارائیل آن نه تنها مورد تفر مردم که حتی جرئت حضور پیدا کردن را ندارند توانسته ایم موقعیت بسیار شکننده تری را به جمهوری اسلامی تحمیل کنیم.

با نداشت بالا پیدا کردن فرهنگ مدرن و مبارزاتی و انسانیت و ادیخواهی در هر محله ای و از این طریق در همه شهر است که سنگرهای مهمی را فتح کردیم. در این موقعیت است که گارد آزادی در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی نقش بزرگی را ایفا خواهد کرد و بدون تردید در جای که ممکن است این پروسه به روترووی مسلحانه با جمهوری اسلامی منجر شود باید از همین امروز ملزومات و آمادگی بالای در میان بخش قابل توجهه ای از واحدهای گارد آزادی برای در هم شکستن مقاومت مسلحانه جمهوری اسلامی را نیز تضمین کنیم.

بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی گارد آزادی به عنوان یک سازمان و نیروی توده ای که با سر بلندی در کل این پروسه بر علیه دشمنان مردم از جمله جمهوری اسلامی دوره ای را پشت سر گذاشته است همچنان به عنوان بخش پیشرو یک میلیس توده ای و یک نیرو متشکل سیاسی و نظامی کارگران، زنان، جوانان و ادیخوانان آن جامعه به وظایف و نقش جدیدتری که پیش رو خواهد داشت به کار خود تا تامین و تضمین کامل امنیت سیاسی، منی و اقتصادی جامعه ادامه خواهد داد.

۳: آیا در صورتی که گارد آزادی در شهرهای دیگر ایران تاسیس شود، بهانه ای بدست رژیم نخواهد داد که سرکوب مدافعان مندی در داخل ایران را افزایش دهد؟

جمهوری اسلامی بدون حضور گارد آزادی و "بهانه" کردن آن بیست و هشت سال است که ماشین جنایت و امکشی راه انداخته است. همه چیز بهانه است برای اینها: زن، جوان، کارگر، روزنامه نگار، فعال اجتماعی، سفر تفریح، ورزش، عشق، و در یک کلام با هیچ معیار و ارزش اولیه انسان همسویی ندارند، نفس تداوم حاکمیت تا کنونی آنها برای کل بشریت شرم آور است. آنها که با جنایت و امکشی کرور کرور یک نسل به قدرت رسیدند و با جنایت و و حتیگری بی وقفه به عمر ننگین خود ادامه داده اند دیگر نباید اجازه داشته باشند دنبال "بهانه" بگردند. سرنگونی این توحش اسلامی امر اول ما مردم است. مستقل از نیت سوال کننده این نوع سوال و ابهام پراکنی ریشه در جای دیگری دارد. وقتی

به ما کمونیستها، کارگران، زنان و کلا قربانیان ماشین امکشی اسلامی و قوم پرستان میرسد آگاهانه طرح میشود. این بخشی از پروژه ای است که میخواهند ما را از عمل انقلابی برحضر دارند و مانعی سر راه ماشین سرکوب نیندیمد. گویا میشود پذیرفت و طبیعی دانست که دولت ماشین استثمار را بی وقفه تداوم دهد، نیرو مسلح اسلامی و قومی راه اندازی کنند و به جان مردم اندازند، بدون نیاز به "بهانه" اعدام و سنگسار کرد، فعالین کارگری و زنان را سرکوب نمود، و هزوع فعالیت کمونیستی و ادیخواهانه را با چوبه دار جواب داد، اما تلاش و مبارزه برای کنار زدن این مناسبات و نظام کثیف ممنوع است، "بهانه" به دست دادند است!

این نوع ترفندها محصول آگاهانه دستگاه تبلیغاتی خود رژیم و حامیان دور و نزدیک آن و احزاب و جنبش راست ایران است. یک سر آن به "جنبش ضد خشونت" حامیان نوم خردادی، که بخشی از خود رژیم اند، وصل است و یک سر دیگر آن به جریالت راست که خود بدون اینکه دلهره از "بهانه" بدست دادن به جمهوری اسلامی به دل راه بدهند در رکاب فرشته نمکراسی و بمب های بوش و بلر و به امید عراقیزه کردن ایران دارند مسابقه با هم میدهند.

من فکر میکنم قضیه درست بر عکس است. به هر اندازه مردم و به ویژه جوانان و واحدهای گارد آزادی متشکل شوند و به آن وظایف و کاری که در بالا اشاره کردم بپردازند و متحقق کنیم، امنیت و آزادی عمل برای مدافعان مندی نیز بیشتر تامین خواهد شد زیرا توان سرکوب جمهوری اسلامی را تضعیف تر نموده ایم تا حدی تجربه گارد آزادی در کردستان نیز همین را نشان می دهد.

۴: تفاوت های گارد آزادی با خانه های تیمی که بعضی از احزاب چپ قبلا از آن استفاده کرده اند چیست؟

هیچ ربطی به هم ندارند! آن خانه های تیمی هیچ بخشی از کاری که در مورد گارد آزادی بدان پرداختم هیچگاه در دستور نداشته و یا ندارند. خانه تیمی محصول دوره اختناق و تحمیل شده به چپ جامعه بود. سنتی از فعالیت است که فقط ببرد سازمانهای میخورد که عادت دراند یا راضی هستند سر سوزنی سرگرم ترزیج ایدئولوژی خود باشند. چپ سنتی ایران به آن عادت گرفته است. این نمیتواند کار ما باشد. نمی تواند مکانیزم و سنت کاری گارد آزادی باشد. خانه تیمی یک جمع مرتبط به این و آن سازمان معین بوده که سرگرم کار مخفی صرفا سازمانی و ایزوله از اجتماع کارهای محوله سازمانی خود را انجام می داد و به جای هم نمی رسید. امری

ادامه در ص ۵

قرانت لیبرال های شرمسار از کمونیسم



رعنا کریم زاده

آقای سعید قاسمی نژاد در یک نوشته بسیار ساده و دبیرستانی مقایسه جالبی میان اسلام به قول ایشان "قرانت تند روانه" و چپ کرده اند. برایم جالب بود چگونه مسئول سلیتی تا این حد ارزش سلیش را پایین آورد و چنین نوشته هایی را چاپ کند. کوتاه می خواهم در این مورد برای آقای قاسمی نژاد و دیگر دوستان لیبرال شان توضیحاتی را بدهم. البته نکته جالب این است که ایشان بر عکس دیگر مخالفان چپ با سلاح مارکس به جنگ مارکس نیمه امده است و در یک مقایسه کاملا غیر سیاسی به مقایسه دو پدیده کاملا مخالف با هم می پردازد.

تفاوت فاحش کمونیسم با دیگر انترناتیو های سیاسی این است که کمونیسم اساسش انسان و مبارزه اش برای بازگرداندن اختیار به انسان است. در حالی که دیگر جریانات هر کدام یک مسئله را مقدم تر بر انسان می

دانند. مثلا در حکومت های دینی خدا بر انسان مقدم است و در حکومت های دمکراسی کنونی در سراسر دنیای سرمایه بر انسان مقدم شمرده می شود. این آن نکته ای است که باعث می شود نتوان کمونیسم را با هیچ اینولژی دیگری مقایسه کرد. اما چرا منتهی است که جریان نیو لیبرال تازه شکست خود از فضای دانشگاه ها اینگونه هار شده است. قلاده را بریده و ناشیانه و این گونه غیر حرفه ای به جناح چپ تازه در حال رشد در جامعه حمله می کند. جواب شاید ساده باشد. ایران در استانه تحولات بزرگی است جمهوری اسلامی در تضاد با جامعه جهانی است در این سو مردم در ایران جانشان به لب رسیده است بله شواهد حاکی از یک تحول بزرگ است برای این است که انترناتیو های خواهان در دست گرفتن قدرت اکنون خود نمایی می کنند و در این نبرد زمان دارد به نفع چپ در این جامعه پیش می رود. این جناح مخالف را دستپاچه کرده است و هراسان و از هر تریبونی به چپ در حال رشد در جامعه حمله می کند. طبیعی است کسی که دارد در چاه می افتد برای آخرین شانس دست خود را به خاشاک کنار چاه می گیرد که شاید نجاتش دهد. این داستان حملات هیستریک باقیمانده راست دستپاچه در دانشگاه های ایران است.

این اولین و آخرین نوشته اشان نیست. چون چندی پیش آقای علی افشار هم برای وارونه جلوه دادن قدرت جناح های درگیر در



دانشگاه لیبرال در دانشگاه را قدرت اول می داند و جود برجسته چپ ها را محدود جلوه می دهد در حالی که ۵۰ هزارها و دیگر اعتراضات، گزارشات و تصاویر چیز دیگری را نشان می دهد.

جنگی که شروع شده است بسیار نابرابر است. بی بی سی رانیو فردا و تمام میدیلی غربی در دفاع از جناح لیبرال و لانسه کردن این جناح سرمایه گزاری کرده اند. چپها اما تنها با توسل به قدرت واقعی شان در دنیایی واقعی عرض اندام کرده اند. تریبونی ندارند و برایشان تبلیغی نمی شود و حتی بر علیه اشان از همه تریبون ها استفاده می شود. این جنگ نابرابر اما تا کنون به نفع هیچ جناحی تمام نشده است و حتی قدرت روبه رشد چپ در جامعه تضمینی برای شکست جناح مقابل نیست.

چپها در طول تاریخ بازچه جناح راست شده اند و تجربه انقلاب ۵۷ نمونه خوبی بود. اما این بار دیگر دریافته اند که چپ و

کمونیسم قرار نیست به گروه فشار یک جناح از راستها بر جناح دیگر تبدیل شود و خود مستقل آمده است که قدرت را بگیرد. این ترس بر انگیز است و هراس بر اندام دشمنان کمونیسم و انسانیت می اندازد. سرانجام این جنال هنوز مشخص نیست هنوز مشخص نیست که انترناتیو بعدی جمهوری اسلامی راست یا چپ است. هنوز مشخص نیست که جمهوری اسلامی چگونه سرنگون می شود چرا که این مشخص کننده انترناتیو بعد هم است و شانس های پیروزی یک جناح را افزایش داده یا کم می کند.

اگر جمهوری اسلامی با یک حمله خارجی سرنگون شود و شیرازه جامعه از هم بپاشد شانس قدرت گیری چپ بسیار پایین است هر چند مردود نیست و بستگی به سازمان دادن چپ در یک جنبه متحد دارد. پس راست جامعه حتی با مخالفت ظاهری با حمله به ایران از این امر استقبال می کند. چرا که حمله کنندگان متحدان تاریخی و طبقاتی آنها هستند و قدرت نظامی آنها می تواند در به قدرت گیری راست ها در ایران بعد از جمهوری اسلامی یاری رساند و چپها را یک بار دیگر به جوخه های اعدام بپردازد.

اما شانس چپ در سرنگونی جمهوری اسلامی توسط یک انقلاب مرمی با یک حزب کمونیستی است. این توضیح بیشتر نمی خواهد مقایسه نمی طلبد.

دارد. که می توانم به اختصار به تک تک آنها اشاره کنم. نمونه های که نشان می دهد ما بننه مرمی داریم اما کافی نیست چرا که دلایلش را در بالا ذکر کردم که به چه دلایلی نمی شود توده ای شد.

در پایان تنها نمی شود کاری کرد برای ادامه راه به ما ببینید

یقینا چه باید کرد از نظر من پیوستن به صفوف ما به صفوف حزب حکمتیست و قوی تر کردن این حزب برای تصاحب قدرت سیاسی در جامعه و پیروزی سوسیالیسم است. ما کمونیسم بزرگ شدن حزب را آماده کرده ایم، ما راضی به نشستن و گلیه کردن نیستیم فعلا در جامعه ما حزبی بهتر و آلترناتیو بهتری وجود ندارد باید به این حزب پیوست.

سیاست های ما روشن است، علنی است، قابل رویت است، می توان در ایران بود و عضو مشاور کمیته مرکزی این حزب شد و از همه ساخت و سوز حزب آگاه شد. عضویت را مخفی نگه داشت و علنی مبارزه کرد.

به نظر من دلایل با لا روشن است و توضیح بیشتری نمی خواهد.

یقینا با ۳ میلیون عضو حزب می شود قدرت را گرفت و سوسیالیسم را به پیروزی رساند ولی با ۳۰ میلیون کمونیست تنها نمی شود کاری کرد

حزب در ایران پنهان شده اند و خود را در اینترنت و در ۱۰۰۰۰۰ وبلاگی که روزانه در ایران ابدیت می شود پنهان می ماند؟ کدام واقعیت ها این را باید توضیح داد و صرف پرت کردن مشت کلمات کافی نیست!

۲. کمونیست های نسل پیش از یک فرهنگ دیگر می آیند و تز های ما با هم فرق می کند چپ ما نوع دیگر است و ... ! کدام فرهنگ متفاوت این را باید توضیح داد و اختلاف بر سر چیست؟ آیا نسل گذشته و هزاران کمونیستی که از اعدامهای سال ۶۰ جان سالم به در بردند، اکنون تز های متفاوت دارند؟ سوسیالیسم شان رقیق تر شده است؟ یا اختلاف در کجا است اینجا من مشخص اختلاف با حکمتیست ها را مد نظر دارم

۳. این احزاب بننه مرمی ندارند! چگونه می شود صاحب یک بننه مرمی شد در زمانی که صدای این احزاب را، نوشته هایشان را نمی شود در اختیار همگان قرار داد. نمی شود نوشت تحلیل کرد و به نتیجه رساند. اما یک مسئله دیگر هم هست.

چگونه می توان نشان داد که مرمی هستند یا نه، کسی که نمی تواند اعضای حزبش را به دیگران معرفی کند. یک راه ساده برای این کار وجود دارد و آن مشاهده هژمنی احزاب بر اعتراضات رادیکال در جامعه است. نمونه های زیادی از این دست وجود

نیست و کسانی که بحث شان بوجود آورنده یک حزب علنی در ایران است عملا نمی خواهند یا نمی توانند کاری را انجام دهند. اما احزاب کمونیست وجود دارند و پیشروی تا کنونی چپ در جامعه مدیون وجود همین احزابی است که رهبری شان در تبعید به سر می برد. اعضای این احزاب کم یا زیاد که بحث مورد نظر من نیست در خارج و داخل ایران وجود دارند. اما مشکل این است که به دلایل امنیتی نمی شود علنی به این احزاب پیوست یا حتی اعلام هم نظری کرد. نمی توان جز رهبری این احزاب شد و از نزدیک در سوخت ساز حزب و جهت گیری های آن دخالت کرد. که اخیرا ما برای حل این مشکلات قدم های را برداشته ایم.

مشکلات بالا واقعی هستند و با وجود یک حکومت دیکتاتوری در ایران غلبه بر این مشکلات کار سختی است که راهکارهای متفاوتی بر غلبه بر این مشکل ارا شده است اما یک سری مشکلات دیگر خورده گیری های نپخته از رهبری در تبعید احزاب کمونیستی واقعی نیست و فقط نوعی بهانه گرفتن است. به چند نمونه اشاره می کنم

۱. احزاب در خارج کشور بعلت دوریشان از ایران واقعیت های امروز ایران را خوب درک نمی کنند!

این تئوری از کجا آمده است را من نمی دانم. کدام واقعیت ها هستند که از دید اعضای

ادامه چند میلیون کمونیست تنها

این کمونیست های منفرد که اکنون کم هم نیستند هیچ تاثیری در جنبش چپ و آزادی خواهی نمی توانند داشته باشند. این دلیل به خوب بودن یا نبودن این آنها نیست بلکه از قانون های بازی سیاست است، واقعییتی که نمی شود منکرش شد.

نقطه قوت کمونیستها تحزب است. وجود چتری که بتواند این اقلیت را سازمان دهد. در ایران کنونی نسل جدید که خواسته یا ناخواسته با جمهوری اسلامی و تبلیغات مشعشع در مورد تحزب بزرگ شده است، بسیار با احتیاط با حزب و حزبییت برخورد می کند، چرا که یاد گرفته اند که احزاب خائن هستند و افراد را قربانی می کنند... هزاران فیلم و سریال در این مورد ساخته شده است و در سیمای جمهوری اسلامی به خورد مردم داده شده است. این جو را باید شکست و راه آن تعریف درست حزبییت و اینکه حزب چیزی جز من و تو نیست که هم می توانیم شاهکار کنیم و هم می توانیم اشتباه کنیم است.

حزب در ایران، حزب در خارج بحث اصلی فعلا این است که حزبی در ایران نمی تواند وجود داشته باشد. تشکیل حزبی کمونیستی در ایران با هر پلاتفرمی ۱۰ دقیقه طول نمی کشد رهبریش را راهی زندان اوین کند. عملا چنین چیزی ممکن

از خود جنبش ضد جنگ مستقیماً بیرون نمیاید. بنظر من راه حل همان است که ما مشغول آن هستیم: سرنگون کردن جمهوری اسلامی. بنظر من تنها راه تضمین شده، راه مهم و عملی که میتواند جلوی فاجعه جنگ را بگیرد کوتاه کردن دست تمام بازیگران صحنه از آن جامعه و کل منطقه و از جمله از طریق سرنگون کردن جمهوری اسلامی است. مردم ایران نمیتوانند دل به هیچ قماری و از جمله جنبش ضد جنگ و امثالهم خوش کنند. ما به سهم خود داریم تلاش میکنیم، قانع نمیکنیم، سازمان میدهیم، متشکل و متحد میسازیم که جمهوری اسلامی به سرپوشترین وسیله با قیام مردم سرنگون گردد. این تنها ضمانت است. دل خوش کردن به هیچ مذاکره و بند و بست طرفین درگیری با همدیگر و با امکانات و روشهای دیگر جلوگیری کردن از جنگ قابل اعتماد نیست. مشخصاً در مورد سوال شما، اگر میخواهید چپ سوئدی عکس خامنه ای را روی یقه کت خود نزند، باید چپ ایران از چنان قدرتی برخوردار باشد و چنان آلتزناتیو اجتماعی قدرتمندی را جلوی چپ سوئدی بگذارد که او بحالت بکشد سراغ عکس خامنه ای را بگیرد. مشکل اصلی اینجاست که جبهه کل چپ در ایران، پرچم چپ در ایران از قدرت اجتماعی کافی برخوردار نیست که آلتزناتیو قابل اعتنالی را بجلوی صحنه براند. آن آلتزناتیو که هر کس و از جمله چپ سوئدی وقتی میخواهد آمریکا را محکوم کند و جلوی جنگ را بگیرد پرچم من و شما را بردارد و نه اینکه عکس خامنه ای را به یقه اش نصب نماید. نمونه این وضعیت در جنگ اخیر لبنان اتفاق افتاد.

سوال: می خواهم سوال مشخصی را مطرح کنم. حزب حکمتیست در سال گذشته و یاقری پیشتر از آن، پایه گذار تشکیلاتی به نام گارد آزادی شد. قرار بود گارد آزادی در جامعه ایران حضوری عملی و عینی داشته باشد بخصوص خطوط مرزی در کردستان و غیره. با این پیش فرض (البته از صحبت های شما هم بر می آمد که احتمال جنگ بسیار بالا است) سوال من اینست که اگر جنگی در بگیرد اقدام عملی شما چیست؟ البته منظور من وارد شدن به جزئیات اقدامات عملی شما نیست.

کورش مدرسی: قبل از هر چیز بگویم که من احتمال جنگ را خیلی بالا نمی دانم ولی همان احتمال کمی هم که وجود دارد به نظر من آنچنان خفمان برانداز است که نباید وارد محاسبه احتمال کم و یا زیاد آن شد. نباید مردم ایران را وارد این قمار کرد؛ این اساس مساله است. بنظر من باید سعی کرد هر چه سریع تر جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم. به نظر من شروع شدن جنگ کل بشریت منجمد ما و نمایندگان بشریت در آن منطقه را به وضعیت بسیار اسفبار و دشواری دچار می کند. ما به سهم خودمان سعی می کنیم تا جایی که ممکن

است دست و بالمان را باز کنیم. سعی میکنیم آنجا و در منطقه برای کل انسانیت برای کل ارمان آزادیخواهانه و برابری طلبانه طبقه کارگر پایه گاهی بسازیم. اگر جنگی در بگیرد می تواند به تحلیل رفتن کل جامعه ایران تبدیل بشود. امریکا نمی رود فقط دو جا را بمباران کند. بحث هایی که در دست است حکایت از قصد بمباران کل پایه های اقتصادی آن جامعه دارد. برآورد خونسنان این است که لااقل صد هزار تنکسین و گارگر ماهر که قادر اند این صنایع را بازسازی کنند را از بین ببرند. قصدشان اینست که قلاده یک لشکر سلم و توتور از توحش را باز کرده و در آن منطقه رها کنند. از نیروهای قوم پرست، ناسیونالیسم و فاشیسم گرفته تا نیروهای اسلامی و بین لادنی و نوع جمهوری اسلامی و مشابه در این لسیت قرار میگیرند. اوضاعی پدیدار میگردد که به مراتب بتر از چیزی است که الان در عراق جریان دارد.

شما از اقدامات عملی میپرسید، پاسخ اینست که سعی می کنیم یک پایه گاهی را نگه داریم که دیگر امثال مقتدی صدر محمل دفاع از بشریت نشوند و کمونیستها بتوانند از بشریت، از زندگی آنها، از امنیت، از آزادی انسانها و حفاظت آنها در مقابل کل این جانوران سیاسی که می خواهند آن منطقه را به کام خود فرو ببرند عملاً دفاع کنند. ما تلاشمان را می کنیم و با موفقیت در اینکار در موقعیت به شدت برتری قرار خواهیم گرفت. به نفع ما است که جنگی صورت نگیرد به نفع ما است که جمهوری اسلامی هر چه سریعتر سرنگون شود ما داریم تمام تلاشمان را می کنیم که این کار را انجام دهیم منتها همه فاکتورها دست ما نیست. بنظر من یک کاری که باید دست بکار آن شد اینست که روی زمین سفت، در نیایی واقعی آنچنان قدرت و آنچنان نیرویی را متشکل کنیم و بشیج کنیم و به میدان بیاوریم که در زندگی مردم تاثیر بگذارد. این یک بعد اقدامات ما است. بعد دیگر قضیه این است که در سطح کل اپوزسیون می شود و باید تلاش کرد که طیف هر وسیعتری از اپوزسیون استاندارد هایی از تمدن در سیاست، و از فاصله گرفتن از همکاری با آمریکا، فاصله گرفتن از تشویق به جنگ و رعایت کردن یک سری اصول در حق مردم ایران را، به رسمیت بشناسند. باید از همین امروز تلاش کرد که استاندارد تمدن سیاسی و استاندارد قائل شدن به مدنیت در جامعه را بالا ببریم. توقع را در مردم بالا ببریم هر دو وجه اقداماتی که ذکر کردم مهم است. ما سعی داریم هر دو جهت کار را پیش ببریم.

سوال: این سوال دو بخش دارد. بخش اول آن این است که نظر شما در مورد تحریم چیست؟ آیا با هرگونه تحریمی مخالف هستید؟ دوم اگر جمهوری اسلامی عقب نشینی نکند از نظر ساختار سیاسی با چه مشکلاتی مواجه می شود.

کورش مدرسی: به نظر من تحریم مهلك

ترین سلاح کشتار جمعی است که امروزه در دنیا به کار گرفته می شود. قربانی تحریم هیچ وقت رژیم نخواهد بود، قربانی تحریم مردم هستند. قربانی تحریم در واقع کارگران و زحمت کشان ایران خواهند بود. هر نوع تحریمی با اعمال تحریمها، خرید یک سری کالاها را برای جمهوری اسلامی گران می کند. در مقابل جمهوری اسلامی با این سازمانی که دارد می رود آن را از بازار سیاه می خرد و هزینه آنرا به سفره خالی مردم کارگر و زحمتکش تحمیل میکند. دستمزدهارا پایین می آورد از خدمات می زند و فلاکت و وسعتری را به زندگی مردم تحویل می کند. سلاح تحریم، سلاح کثیفی است که مستقیماً عیله مردم بکار برده میشود. حاصل تحریمها را در عراق شاهد بودیم ما با هر گونه تحریم اقتصادی از بیخ و بن مخالفیم و فکر می کنیم این مهلك ترین شیمیایی ترین و اتمی ترین سلاحی است که در تاریخ اخیر بکار برده شده است. باید در مقابل هرچین سلاحی ایستاد. چنین سلاحی را از جامعه بین المللی و در حقیقت از دست جامعه توحش بین المللی در آورد. اجازه نداد که عیله هیچ کس این کار را بکند. اگر قرار باشد کسی را تحریم کنند فردا حکومت سوسیالیستی را تحریم می کنند. حکومت آزادیخواهانه و برابری طلبانه در ایران را تحریم می کنند و از آن نان، غذا و دارو را دریغ می کنند. این سنت را باید بر انداخت. تحریم اقتصادی مثل مجازات اعمام است باید محکوم بشود و ممنوع بشود.

در مورد بخش دوم سوال و اینکه جمهوری اسلامی عقب نشینی نکند، من بعید می دانم صفوف جمهوری اسلامیدر صورت عقب نشینی بهم بخورد. با همه تناقضات داخلی رژیم اسلامی یک رژیم جان سخت تر، منسجم تر و پابرجا تر از آن چیزی است که بسیاری از اپوزسیون فکر می کنند. من فکر می کنم که اگر به منفعتشان باشد عقب نشینند همانطوری که در پایان دادن جنگ عراق شاهد بودیم، ممکن است عقب نشینی کنند. ولی بعدا جلو می آیند و درون آنها دچار آنچنان تلاطمی خواهد شد. برخلاف آنچه اپوزسیون فکر می کند که اگر جمهوری اسلامی عقب نشینی کند صفوفش بهم خواهد خورد، من شخصاً این تحلیل را ندارم. فکر می کنم جمهوری اسلامی قادر است عقب نشینند همانطوری که قادر است جلو برود منتها جلو رفتن و عقب نشینی آن عرصه ای نیست که ما باید به آن چشم بدوزیم نباید تشویق کنیم که مردم به آن چشم بدوزند. تلاش ما باید معطوف به این باشد که همه نیروها و همه مردم ایران را قانع کنیم که مطمئن ترین راه، درست ترین راه و راستش تنها راه نجات آن جامعه در این است که مردم آن جامعه، طبقه کارگر آن جامعه سرنوشت را خودش بدست بگیرند و زندگی خود را از دست جمهوری اسلامی در بیاورند. اگر جمهوری اسلامی با قیام مردم سرنگون شود فردای سرنگونی نه آمریکا نه هیچ کشور دیگری نمی تواند به آن حمله کند. به دلیل اینکه آن وقت همان

نیروهای چپ چپ و همان جنبش ضد جنگ با یک پرچم روشن و سر راست به دفاع از انقلابی که جمهوری اسلامی را سرنگون کرده خواهند خواست و تمام صحنه جهانی علیه جرج بوش و نظم نوین آن خواهد چرخید. راستش من فکر می کنم انقلاب ایران دریچه ای بر روی شکست کل جریان راست نیمه فاشیست و نیو کنسرواتیو عروج یافته در سطح جهانی است.

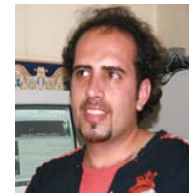
سوال: من یک توضیح تکمیلی از شما می خواهم. نظر شما در مورد اینکه تحمیل عقب نشینی به جمهوری اسلامی از پروژه های هسته ای و تعلیق غنی سازی به عنوان یک شعار محوری برای نیرو های ضد جنگ قرار بگیرد چیست؟

کورش مدرسی: ببینید غنی کردن یا نکردن صورت مسئله این کشمکش نیست. بهانه این کشمکش است. خوب ما چرا باید وارد این بهانه بشیم؟ بنظر من ما نباید وارد این بازی بشیم ما باید تاکید کنیم که این یک بهانه است. بنظر من نه ممنوعیت سلاح های هسته ای از جانب آمریکا اصلالتی دارد که بتوان دنبال آن افتاد و مشوق ایستادن آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی شد؛ و نه غنی سازی اورانیوم آن هفتی است که جمهوری اسلامی می گوید دنبالش است. هر دو دارند دروغ می گویند. در نتیجه چرا ما باید وارد این صحنه کاذب شویم؟ آمریکا خودش تنها بکار گیرنده سلاح هسته ای در دنیا است. علیه مردم هیروشیما و ناکازاکی. اگر قرار است کسی خلع سلاح شیمیایی یا هسته ای شود قبل از همه باید از آمریکا شروع کرد. جمهوری اسلامی هم دارد غنی سازی می کند که از یک طرف از خودش در مقابل نظم نوین جهانی امریکایی دفاع کند و از طرف دیگر می خواهد با دامن زدن به کشمکش با آمریکا تناقضات خودش با مردم - و نه تناقضات درونی صفوف درونی خود رژیم - را تخفیف بدهد. ما اصولاً دلیلی وجود ندارد که وارد این قضیه شویم. ما نه امضا کننده قرارداد های منع سلاح های هسته ای هستیم، نه طرفدارش هستیم و نه بودن با آن را تشویق و نه نبودن با آن را محکوم می کنیم. قرارداد دادی را بسته اند بین خود این دولتها برای اینکه تناسب قوا را بین خودشان برقرار کنند و هر وقت هم که به نفعشان بوده آن را بهم زده اند.

ما و کل نیرو های سیاسی نباید وارد این صحنه بشویم و شروع کنند به قضاوت کردن بر سر اینکه جمهوری اسلامی ایران این را قبول بکند یا نه. جمهوری اسلامی دارد سیاست خودش را پیش می برد، آمریکا سیاست خودش را پیش می برد و ما و مردم ایران هم باید سیاست خودمان را پیش ببریم.

این گفتگو بهماره گفتگو با چند تن از احزاب دیگر از "رایو همبستگی" در استکهلم بتاريخ دهم فوریه ۲۰۰۷ پخش گردیده است. تنظیم متن توسط مصطفی اسپور صورت گرفته است.

نگاهی به روز والتائین



وربا صدربور

مرز بندی بین زن و مرد . در سراسر جهان گروهی به استقبال این روز میروند و جشن میگیرند و گروهی هم مضرش میدانند و میگویند این ربطی به سنت و آئین و... ما ندارد مثلا مغازه داران بعضی از کشورهای اسلامی از ترس پلیس مذهبی ناگزیر شده اند که گلهای رز را مخفی کنند و کارت تبریک والتائین را مخفیانه و به طور قاچاق به مشتریان بفروشند، یا ورود دختران در روز والتائین را با لباس قرمز به مدارس ممنوع کرده اند

گروه‌های مذهبی تندروی هند نیز عهد کرده‌اند، جلوی مراسم روز عشق را بگیرند و شیشه‌ی مغازه‌هایی را که مبارت به فروش اجناس مربوط به این روز را می‌کنند، بشکنند. ایران هم از جمله کشورهای است که سنتهای اسلامی را در روز والتائین خالت میدهد.

با این وجود در ایران نیز چند سالی است که جوانان این روز را جشن می‌گیرند و با دادن هدیه، به یکدیگر اظهار علاقه می‌کنند. اما جمهوری اسلامی که به رابطه میان دختر و پسر با نگاهی مظنون مینگرد و رابطه زن و مرد قبل از ازدواج را ممنوع می‌داند چندان این روز برایش خوشایند نیست. جمهوری اسلامی بر این باور است که روز والتائین به دلیل ترویج ارزشهای غیر اسلامی پذیرفتنی نیست! تا جای که در اخطار به فروشگاهها و مغازه‌های که والتائین را به مشتریان تبریک میگفتند سعی در جمع آوری کلوهای مختص این روز از پشت ویترین مغازه‌ها داشتند همیشه جمهوری اسلامی سعی کرده است که با دادن نامی مذهبی به چنین روزهای از شور شوق و شادی این روزها بکاهد و حالتی مذهبی وار به آن بدهد تولد فاطمه (روز زن و روز ملر) تولد زینب (روز پرستان) تولد معصومه (روز دختر) و حالا هم نوبت والتائین است. محمد ظاهری یکی از روحانیون فعال در جمهوری اسلامی از کسانی بود که پیشنهاد روز ازدواج علی و همسرش فاطمه را به عنوان روز عشق داده بود تا بلکه به این شیوه فرهنگ پوسیده

۲۵ بهمن برابر است با ۱۴ فوریه روز " والتائین"، روز والتائین که به عید عشقان نیز معروف است، در سال‌های اخیر گسترش قابل توجهی در میان جوانان پیدا کرده است استقبال پر شور جوانان و فروش محصولات و هدایای مرتبط با این روز شاهدی بر این مدعا است.

اکثرا تاریخ این روز را اینگونه بیان میکنند، که در سده سوم میلادی در رم فرمانروایی بوده بنام "کلودیوس نوم" که برای جنگ سریاز گیری فراوانی میکرده است و برای اینکه سریازان را مجبور به جنگ کند دستور منع ازدواج داده بود و میگفته سربازی خوب میجنگد که مجرد باشد ،ازدواج نکند امپراطوری آن زمان به قدری بیرحم بوده که هیچکس جرات کمک به ازدواج سربازان را نداشت در این میان شخصی به نام والتئوس (والتائین) مخفیانه به ازدواج سربازان رومی کمک میکرد و آنها را به معشوقه یا طرف مورد علاقه اش میرساند کلو دیس از این جریان با خبر میشود و دستور دستگیری والتائین را میدهد والتائین دستگیر شده و در زندان عاشق دختر زندانبان میشود که در زندان نیز کشته میشود بعد از مرگ والتئوس روز مرگش به عنوان والتائین یا روز عشق شناخته میشود.

اما جدا از اینکه این روز از کجا آمده و چه تاریخی دارد به روز قشنگ و محبوبی تبدیل شده است جوانها به دوست دختر یا پسرشان ابراز علاقه میکنند به هدیه‌ها هدیه میدهند دراصل گامی بر می‌دارند به سوی بر داشتن

ادامه مصاحبه با سلام زیجی

دیگری داشت. وظایف دیگری در دستور دارد. ما و گارد آزادی در مقایسه با خانه های تیمی و سازمانهای آن هر کدام به به دو جنبش سیاسی-طبقه‌ای متفاوت تعلق داریم. گارد آزادی در عین حال که شکل و سازمان خود را از دید جمهوری اسلامی به شدت پنهان نگاه خواهد داشت در گیر فعالیت علنی و سیاسی و اجتماعی مهمی در حیات سیاسی جامعه است. اهداف بسیار بزرگی در دستور خود دارد. قرار است چنان قدرت توده ای داشته باشد که بتواند حافظ امنیت مردم باشد و دست هر دولت و جریان اسلامی و قومی که به جان، امنیت، آزادی کارگران، زنان و جامعه تعرض کند کوتاه کند. چنین کار و اهدافی هیچگاه در سنت و برنامه هیچ نوع خانه تیمی نبوده است. در نتیجه گارد آزادی



اسلامی را اراج داد و روز عشق (والتائین) را هم به مساجد و حسینیه ها کشاند.

جمهوری ارتجاعی اسلامی با گسترش صنعت مذهب و سایه مذهب بر زندگی مردم همیشه سعی در دخالت در زندگیشان داشته است و تلاش میکند جوانها را به قعر توحش اسلامی پرتاب کند و آنها را به ۱۴۰۰ سال عقب بکشد اما زمان به صفحه دیگر ورق خورده است جمهوری اسلامی با زور سرکوب اعلام روزهای مذهبی دیگر نمیتواند دخالتی در زندگی مردم داشته باشد جوانان مصمم و آگاهتر جلوی این استبداد را گرفته اند و حتی پیشیزی برای دولت کثیف اسلامی قائل نیستند

حضور واحد های ۱۲۰ و ۱۲۲ گارد آزادی در سرشدت

در حال بستن نشریه بوم که اطلاعیه مفصلی از حضور دو واحد، از واحد های مسلح گارد آزادی بدستم رسید و من چون قادر به گذاشتن کل اطلاعیه این حضور مسلحانه و پر قدرت دو واحد گارد آزادی نیستم خلاصه آن را برایتان در اینجا می نویسم

بامداد روز شنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۸۵ دو واحد از واحد های گارد آزادی در مراکز بزرگ

اطراف سرشدت ظاهر می شوند و با پخش اطلاعیه های حزب و پوستر های از منصور حکمت و کورش منرسی و بروشور های گارد آزادی مأموریت خود را شروع می کنند این دو واحد که برای اولین بار است بطور رسمی در اطراف شهر سرشدت ظاهر می شوند باعث ترس و وحشت در میان نیروهای جمهوری اسلامی می شوند تا جای که به محض ب پایان مأموریت واحد های گارد آزادی ، نیروهای سرکوبگر رژیم به مراکز آزادی در آنها به تبلیغ پرداخته بود می روند و از مردم می خواهند که در مقابل واحد های گارد آزادی مقاومت کنند که با بی توجهی مردم روبه رو می شوند و مردم می گویند که اگر خود قدرت دارید جلوی آنها را بگیرید.

این عملیات موفقیت آمیز را به رفقای گارد آزادی تبریک می گویم و منتظر اقدامات بعدی و مفصل تر این واحد ها در دیگر شهر های ایران خواهیم ماند. به گارد آزادی ببینید و واحد های گارد آزادی را در شهر های خود تشکیل دهید.

قابل توجه خوانندگان نشریه جوانان حکمتیست!!

ما از این به بعد هر هفته مصاحبه ایی با یکی از رهبران سازمان جوانان و یا رهبران حزب حکمتیست انجام خواهیم داد. این مصاحبه ها قبلا از این نشریه با تیتر "بار رهبران حزب" منتشر می شد. اما از این به بعد مصاحبه های فرق خواهد کرد. از این لحاظ که سوالات را شما خوانندگان نشریه خواهید پرسید و ما آنها را برای رهبری حزب و یا سازمان برای پاسخ گویی خواهیم فرستاد. این ارتباط نزدیک تری ما بین خوانندگان نشریه جوانان و رهبری سازمان جوانان و حزب حکمتیست ایجاد خواهد کرد.

شما می توانید با هر اسمی که مایل هستید(به خاطر مسائل امنیتی) سوالات خود را برای ما بفرستید. ما در هر شماره موضوع مشخصی را مطرح خواهیم کرد و سوالات شما را در چهار جواب همان موضوع برای پاسخ گوی برای یکی از رهبران حزب ارسال خواهیم کرد.



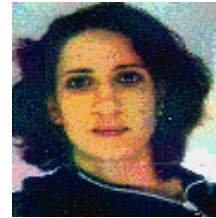
موضع مصاحبه هفته آینده

حزب حکمتیست و فعالیت های آن در داخل کشور احزاب مختلف مدعی هستند که قدرت واقعی آنها در ایران نهفته است و اکنون بنا به دلایل امنیتی قادر به نشان دادن قدرت خود در ایران نیستند. حزب حکمتیست بنا به دلایل متفاوت ادعا می کند که قوی ترین تشکیلات داخلی را دارد شما سوالات خود را در این مورد برای نشریه ارسال کنید.

rezaei29@yahoo.com

نشریه جوانان حکمتیست
روزهای دو شنبه منتشر خواهد شد. مطالب و نوشته های خود را برای ما تا قبل از روز جمعه ارسال کنید.

زنان و روز زن



نوش آفرین مرادی علی عسکرو

۸ مارس روز مبارزه علیه تبعیض نژادی ، هشت مارس روز تجدید پیمان زنان و مردان برابری طلب برای به زیر کشیدن قوانین زن ستیز و لغو کلیه اشکال و جلوه‌های نابرابری جنسیتی است . در این روز خاص زنان به تبادل نظر و تجربه می‌نشینند ، خاطرات تلخ و شیرینشان را در قالب‌های هنری از جمله شعر و تئاتر و

رقص برای یکدیگر بازگو میکنند پس رفتها و پیشرفت هایشان را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند و بالاخره صف مبارزه شان را به منظور تغییر مناسبات حاکم فعلی و مقابله با تهاجم‌های آتی دنیایی نابرابر سازماندهی می‌کنند . دهه هاست که ۸ مارس با چنین سنتی تداعی شده است . امسال زنان جهان فقیر در شرایطی به پیشواز ۸ مارس میروند که بنا به آمارهای منابع خبری اصلی ترین قربانیان فقر ، جنگ ، جهل ، بیماری و سوء تغذیه ، تجاوز ، خشونت ، بیکاری ، سیل و زلزله ، مهاجرت‌های اجباری ، تجارت سکس ، فشارهای اجتماعی ، تهاجمات فرهنگی ، تظلمات سیاسی و مذهبی بوده‌اند . زنان ایران نیز از این همه نکبت و بی حقوقی بی نصیب نبوده‌اند . مراجعه به آمارهای بیکاری ، خونسوزی ، خودکشی ، تن فروشی ، اعتیاد ، افسردگی ، بزدل‌داشت و

دستگیری زنان آنهم به بهانه های مختلف تصویر روشنی از دامنه تهاجمات روزافزون قوانین مذهبی به هویت انسانی زنان ارائه می‌دهند . زنان در برهه ای از تاریخ برای اثبات (انسان) بودن خود و احقاق حقوقشان می‌جنگند که تاریخ نگاران علم و تکنولوژی و بلوغ فکری و بالندگی انسان نامیده‌اند !! که بی گمان این ادعای شرم آورترین طنز تاریخ معاصر است . اما تلاش سرمایه داران برای فروست نگه داشتن زنان و بهره کشی از رنج فزاینده شان تا به امروز موفق بوده چرا که از پشتیبانی بلا شرط قانون فرهنگ ، سنت ، مذهب ، منابع مالی ، نظامی و علمی برخوردار بوده است . زن ستیزی تنها ویژه جمهوری اسلامی و جناحهای درون و بیرونش نیست ، زن ستیزی یک پدیده جهانی است که بدلیل قدمت تاریخی در

فرهنگ ، عادات و سنن جوامع نفوذ کرده و به یک ارزش اخلاقی بدل شده که همچون فسیل سالها و قرن‌ها بی توجه به تغییرات و حتی انقلابات اقتصادی و اجتماعی ارزشهای را که حاملش بوده منتقل کرده است . به نظر تاکید بر این واقعیت راه را برای همبستگی زنان ایران با زنان سایر نقاط جهان هموار تر می‌کند ، درکشان را از ستم جنسی ارتقاء می‌دهد ، نیروی شان را از مبارزه صرف برای جابجایی قدرت سیاسی به عرصه های دیگر وسیع تر می‌کند . اراده شان را برای مبارزه پیگیر با سنن عادات و فرهنگ مسلط و زن ستیز مضموم تر می‌کند . و خلاصه دامنه و ابعاد انتظارات زنان از نیروهای اپوزیسیون را تعمیق می‌بخشد .

در ۸ مارس ۱۹۱۷ زنان علیه افزایش قیمت‌ها ، تعطیل کارخانجات و اخراج کارگران دست به تظاهرات زدند . این تظاهرات به شورش انجامید و در ترفیع اوضاعی که به انقلاب فوریه همانسال انجامید ، نقش ایفا نمود . پس از جنگ جهانی دوم تا آوریل دهه ۶۰ روز جهانی زن جلوه چندان بارزی نداشت و با رشد جنبش زنان در دهه ۶۰ این روز بار دیگر اهمیت یافت . سال ۱۹۷۵ از طرف سازمان ملل متحد بعنوان سال بین المللی زنان اعلام شد و دو سال بعد یعنی سال ۱۹۷۷ یونسکو ۸ مارس را روز جهانی زن اعلام کرد . دو دهه گذشته روز جهانی زن در میقاسی جهانی گرامی داشته می‌شود و به تریبونی افشاگرانه از بی حقوقی جامعه سرمایه داری و تبعیض جنسی تبدیل شده است .



هم تظاهرات آنها سرکوب شد و به دستگیری بسیاری از زنان منجر گردید . سال ۱۹۰۸ حزب سوسیالیست آمریکا به تشکیل کمیته ملی زنان برای کمپین حق رأی اقدام کرد و در ۸ مارس همانسال کارگران زن بافنده سوزنی با خواست ممنوعیت کار کودکان و کسب حق رأی برای زنان در نیویورک دست به تظاهرات زدند .

رویدادهای ۸ مارس این سال سبب گردید که در سال بعد یعنی ۱۹۰۹ این روز بعنوان نخستین روز ملی زنان در آمریکا تثبیت شود . در کنگره بین المللی سوسیالیستها که سال ۱۹۰۹ در کپنهاگ برگزار شد ، کلارا تزکین ۸ مارس را بعنوان روز جهانی زن پیشنهاد کرد که توسط کنگره به رسمیت شناخته شد . یک میلیون زن در کشورهای آلمان ، دانمارک ، سوئیس ، و استرالیا روز ۸ مارس ۱۹۱۱ با برپایی تظاهرات خواهان حق رأی ، حق کار و آموزش حرفه‌ای شدند . در روسیه و چین

تاریخچه ۸ مارس



امراه کرمی ایبولو

روز ۸ مارس ۱۸۷۵ زنان کارگر نساچ در نیویورک در اعتراض به پائین بودن سطح دستمزدها و شرایط غیر انسانی کار دست به تظاهرات زدند . این حرکت به درگیری قهر آمیز با پلیس انجامید و وحشیانه سرکوب شد . روز ۸ مارس ۱۹۰۷ مجدداً زنان نساچ آمریکا با خواست ۱۰ ساعت کار روزانه دست به تظاهرات زدند که این بار

کمونیسیم کارگری بدون اما و اگر باید قدرت را بگیرد. این جریان برای اکثریت شدن تلاش میکند اما منتظر اکثریت شدن نمی‌ماند. هروقت بتواند قدرت را بگیرد استراتژی ما بحث حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت است. گرفتن قدرت بعد از کسب اکثریت تئوری نمیخواهد. استراتژی هر وقت اکثریت شدیم قدرت را میگیریم نه به مارکسیسم احتیاج دارد نه به لینین و نه به منصور حکمت. چنین استراتژی به یک حزب بزرگ، قوی و منضبط هم احتیاجی ندارد.

دوم اینکه ما میخواهیم یک حزب کمونیستی توده ای بسازیم. برای گرفتن قدرت، برای نگاه داشتن قدرت

کمونیسیم کارگری بدون اما و اگر باید قدرت را بگیرد. این جریان برای اکثریت شدن تلاش میکند اما منتظر اکثریت شدن نمی‌ماند. هروقت بتواند قدرت را بگیرد استراتژی ما بحث حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت است. گرفتن قدرت بعد از کسب اکثریت تئوری نمیخواهد. استراتژی هر وقت اکثریت شدیم قدرت را میگیریم نه به مارکسیسم احتیاج دارد نه به لینین و نه به منصور حکمت. چنین استراتژی به یک حزب بزرگ، قوی و منضبط هم احتیاجی ندارد.

دوم اینکه ما میخواهیم یک حزب کمونیستی توده ای بسازیم. برای گرفتن قدرت، برای نگاه داشتن قدرت

تماس با سازمان جوانان حکمتیست

جمال کمانگر دبیر سازمان جوانان
jamalkamangar@yahoo.com
تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

عباس رضایی: سردبیر نشریه جوانان
rezaei29@yahoo.com
تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۸۱۲۶۶۴۵

حامد راد: مسئول سایت جوانان
rad842005@yahoo.com

فواد عبداللهی

foadsjk@gmail.com

تماس با حزب حکمتیست

کوروش مدرسی: دبیر حزب
koorosh.modarresi@gmail.com

فتح شیخ: رئیس دفتر سیاسی
fateh_sh@yahoo.com

بهرام مدرسی: دبیر کمیته تشکیلات کل کشور
bahram.modarresi@freenet.de
Tel: 0049 0174 944 02 01

عبدالله دارابی: فرمانده گارد آزادی
darabi.a@broadband.net
Tel.: 0046704752163

نسان نویدیان
دبیر کمیته خراج کشور
nodinian2103@aol.com

زنده باد حکمتیسم

زنده باد سوسیالیسم